

# محسن پیرامون



سازی وزنده می‌کرد که حیرت‌آور بود. من از سیزده، چهارده سالگی (یعنی حدود سال ۱۳۰۰) در کنار او، با رموز و فنون کارش آشنا شدم. عتیقه‌ها مرا جلب کردند. این آثار به دنیای مردگان تعلق داشت، دنیایی که ما فقط افسانه‌هایی از آن میدانیم. همین‌کشش و جذبه بود که من دست از نقاشی کشیدم و به کار تازه رو کردم.

«پیرامون» ادامه می‌دهد:

از آنروز حدود ۴۷ سال می‌گذرد و در این مدت من نزدیک به ۱۰۰۰ عتیقه و اثر باستانی ترمیم و احیا کرده‌ام. این آثار شامل اشیاء مفرغی، پارچه‌ای، شیشه‌ای، سفالی و سنگی است. بعضی فقط به نظافت احتیاج داشتند، اما اغلب آنها در هم شکسته و معیوب بودند و ناگزیر قسمت‌های ازین رفته را دوباره سازی کردم و با نقش و نقاشی اصل خودش احیا نمودم. این آثار اینک نه تنها در موزه‌های کشور، بلکه در بسیاری از موزه‌های جهان وجود دارد.

میرسیم:

آیا ضابطه خاصی برای تمیز و تشخیص آثار هر دوره تاریخی وجود دارد؟ منظور اینست که بدون شناخت کلی نحوه زندگی و ابزار و عادات و رسوم مردم هر دوره از تاریخ، نوسازی و دوباره‌سازی آثار مکتوفه خاص آن دوره، ممکن نیست. شما بر اساس چه معیار و اصولی دوره‌ای را که یک اثر تاریخی یا عتیقه متعلق به آنست معلوم می‌کنید؟

پیرامون - صرف نظر از مطالعه و تحقیق، معلومات من نتیجه تجربه است. دوران طولانی کار، شرکت در کاوشهای فراوان و سروکار داشتن با ابزار و وسایل مکتوفه دورانهای مختلف، یک جور غریزه در من ایجاد کرده است، غریزه‌ای که با دیدن هر پدیده، قدمت و خصوصیت آنرا می‌شناسد. اما مسئله مهمتر اینست که زندگی اجداد ما در سیرتاریخ مراحل مختلف و کاملاً جداگانه‌ای دارد. در هر دوره ابزار خانگی،

آنچه از زیر کلنگ باستانشناسان در حفاریها و کاوشها بیرون کشیده میشود، روشن‌گر زوایا و فضاهایی از زندگی و تمدن نسلهای گذشته است. ما ریشه‌ها و سرچشمه‌های تمدن و فرهنگ و هنر و تجربه و اندیشه امروز را در این آثار و بازمانده‌های کهن می‌یابیم و دیدنشان در شناخت «امروز» و بهره‌گیری از «گذشته» مجهزتر و مهیاتر می‌شویم.

این ظرفهای سفالی، این پیکره‌های شکسته و خاک‌خورده، این ظروف و آثار کهنه و زنگ‌زده، که در کاوشهای باستانشناسی بدست می‌آید، با همه ظاهر ناچیزشان، دنیایی در خود نهفته دارند، دنیایی پر از راز و زندگی و حقیقت و افسانه. چنین است که این بازیافته‌های قدیمی را میراث‌های ملی و تاریخی میدانیم - اما این میراث‌ها اغلب زیر بار قرون و اعصار شکسته و خاک شده و آنچه هم که مانده، آسیب و خدشه فراوان دیده است.

ترمیم و احیای این آثار بی‌آنکه به اصالت آن لطمه وارد آید کار انگشت شماران خبره‌یی است که عمری را در اینراه صرف کرده‌اند.

محسن پیرامون کارشناس و ارزیاب موزه ایران باستان، یکی از این معدود خبرگان است. و این‌گفت و شنودی است یا او پیرامون کارش، زندگی، و انگیزه‌هایی که به کام نهادن در اینراه و سوسه‌اش کرد...

او از مینیاتور و نقاشی شروع کرد و به دنیای عتیقه و آثار باستانی کشیده شد. نخست کارش تقلیدی از استادان مینیاتور و نقاشان کلاسیک و طبیعت‌گرا بود. در حالیکه به تحصیلات قدیمی اشتغال داشت، درجه ذوق و هنرش را به باغستان نقش و نگار و رنگ‌گشوده بود، اما یکبار به آنچه دوست داشت پشت کرد و راه تازه‌ای پیش گرفت. در اینباره خودش می‌گوید: «پیرامون» بزرگ تنها متخصص ترمیم و احیای آثار باستانی و اشیاء عتیقه، دائمی من بود. او معجزه می‌کرد. آثار روبه زوال و عتیقه‌های صد پاره و از دست رفته را طوری دوباره

دفن شده ، با اندك تماس دست غبار میگرد و بکلی از میان میرود . اشکال کار ما هم در همین جاست . بسیاری از اشیائی که در حفاریهای باستانشناسی بدست میآید قابل لمس نیست و ظرفیت اینرا ندارد که با شیئی خارجی تماس بگیرد . مثلاً درباره همان پارچه بگویم . برای حفظ این پارچه ما نخست بوسیله بخار آنرا نرم میکنیم تا خودش را باز کند . بعد با حوصله و صرف ساعات زیاد زوائد و اشیاء خارجی را که به خورد پارچه رفته از آن جدا میکنیم ، سپس با استفاده از داروهای شیمیائی مخصوص ، نقشهای مرده و رنگ و روی رفته پارچه را دوباره تجدید میکنیم .

مثلاً چندی پیش در حفاریهای « گرمی » ( آذربایجان ) قندان چوبینی پیدا شد که به دوره اشکانی تعلق داشت ، یعنی نزدیک به دوهزار سال از عمر آن میگذشت . چوب این قندان چنان پوسیده بود که تنها کافی بود نسیمی بر آن بوزد یا اشاره ای با انگشت به آن بشود تا بکلی متلاشی گردد . چند روز طول کشید تا یکایک مواد خارجی و سنگریزه و خاکهایی را که به خورد قندان رفته بود ، خارج کردم و بعد بوسیله مواد شیمیائی آنرا بصورت مومیائی در آوردم . این مومیائی در حالیکه شکل ظاهری قندان را بطور امپل نگه میداشت ، به آن استحکام نیز می بخشید .

محسن پیرامون مقدم در کارگاه وصالی ظروف سفالین موزه ایران باستان هنگام کار



هنرمردم

وسایل آرایش و زینت ، سلاحهای جنگی ، ابزار معماری ، سنگ تراشی ، ستونها و سرستونها ، بطرز خاصی ساخته میشود . از روی همین خصوصیات است که نه تنها قدمت اشیاء یافته شده تعیین میشود ، بلکه پرده از گوشه و کنار تاریخ زندگی اجداد ما کنار زده میشود و آگاهی و آشنائی تاریخی امروزیها از دیر روز بیشتر میگردد .

- دانش باستانشناسی شما نتیجه تجربه و ممارست در کار است . این ، توضیح بیشتری درباره زندگیتان را ضروری میکند . پیرامون - گفتم که از کودکی به کار احیای آثار باستانی و عتیقه علاقمند شدم .

در سال ۱۳۱۲ يك گروه باستانشناس امریکایی ، به سرپرستی دکتر « اوریک اشمیت » به ایران آمدند .

این هیئت از طرف موزه شیکاگو برای جستجو و حفاری در اطراف « شهر ری » و « چشمه علی » مأموریت داشت . « پیرامون » بزرگ برای همکاری با این هیئت ، مرا معرفی کرد و از اینجاکار عملی من بطور جدی شروع شد .

کار حفاری این هیئت دوسه سال طول کشید . آثاری که بدست میآمد بوسیله من تعمیر دوباره سازی و احیا میشد . پس از این مأموریت هیئت باستانشناسی دکتر اشمیت راهی تخت جمشید شد . به اصرار آنها منم همراهی شان کردم . در تخت جمشید کار من زیاد و تقریباً شبانه روزی بود . میتوان گفت که من بطور عملی به اعماق تاریخ سفر کردم و زندگی نیاکانم را دیدم و شناختم . بدنبال این تجربهها و آشناییها بود که به سال ۱۳۱۶ در اداره باستانشناسی رسماً بکار مشغول شدم .

- بیشتر اشیاء عتیقه و باستانی که بوسیله شما تعمیر و احیا شده ، چه نوع بوده است . پارچهای ؟ شیشه ای ؟ سفالین ؟ یا انواع دیگر ؟

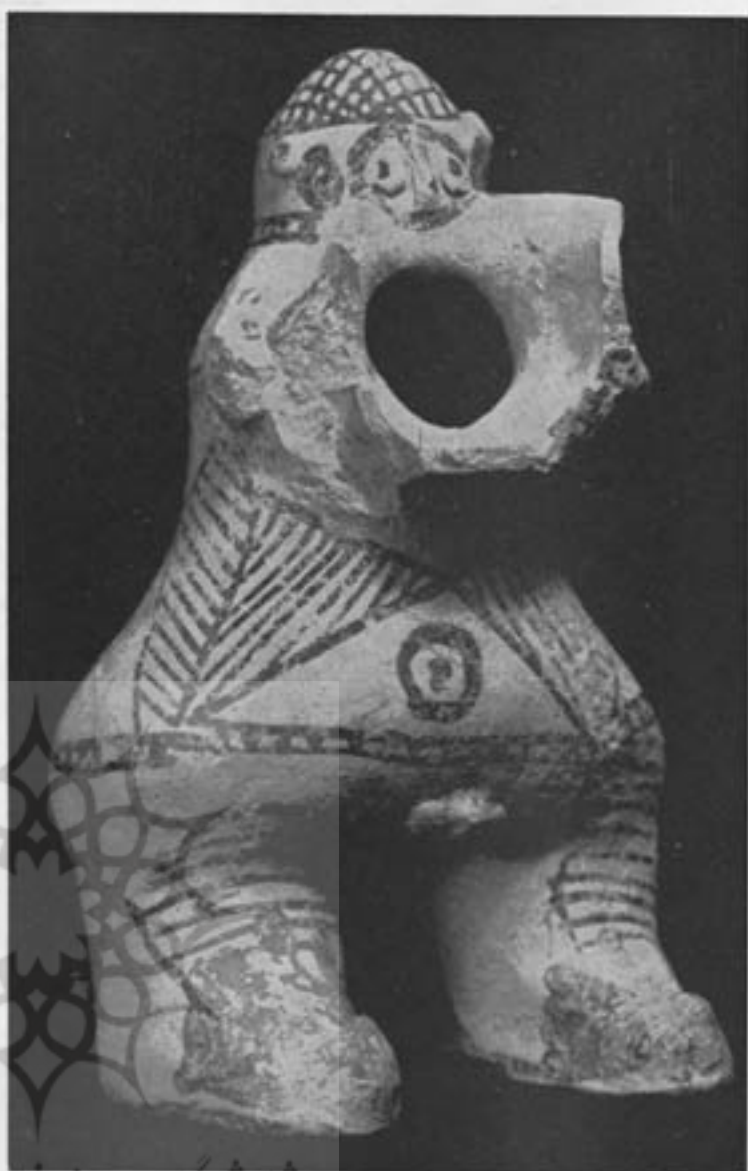
پیرامون - قسمت عمده اشیاء مکتشفه سفالین است ، چرا که ساختن ظروف و سایر مایحتاج روزمره زندگی از سفال در ازمنه خیلی قدیم آسانتر بود ، اما اشیاء یافته شده تنوع و گسترش زیاد دارد . گاهی به پارچه ای بر میخوریم که بیش از ۱۰۰۰ سال از عمر آن میگذرد یا استخوان عاجی می یابیم که به ۱۵۰۰ سال قبل تعلق دارد . در واقع بیشتر وسایل امروزی مانند چوب و سنگ و مفرغ و چرم و طلا و جواهر و غیره از قدیم وجود داشته و آثاری از این گونه بسیار بدست میآید .

- به این اشاره کردید که آثار مکتشفه گاهی شامل پارچههایی میشود که عمر آن به ۱۰ قرن میرسد و یا اشیائی که به هزاران سال پیش تعلق دارند . آیا این اشیاء بعد از زمانی چنین طولانی هنوز شکل و فرم خود را حفظ کرده اند ؟

پیرامون - اگر به پارچه ای که ۱۰ قرن پیش ساخته شده دست بزنیم خاک میشود . یا آن قطعه عاج که ۱۵۰۰ سال است

انسانی و مطالعات  
علوم انسانی





راست: مجسمه سفالی مکتوفی از منطقه لرستان قبل از تعمیر. چپ: مجسمه سفالی مکتوفی از منطقه لرستان بعد از تعمیر و تکمیل

## روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

- اما بهر حال پاره‌ای از این آثار بیشتر وقت شمارا صرف خود کرده و یا جاذبه و لطف و آسون بیشتری برایتان داشته‌است. پیرامون - درخفاریهای تپه چراغلی (در شمال) يك لیوان موزائیک بدست آمد، در واقع لیوان نبود شبیح و بازمانده يك لیوان بود. بزرگترین قطعه‌اش به نیم بند انگشت نمیرسید. من روی این لیوان روزها و شبهای زیادی کار کردم. وقتی این کار شروع شد، همه گفتند که زحمت بیهوده میکشم، اما وقتی لیوان از زیر دستم بیرون آمد، همه حیرت کردند. بی آنکه در آن دست کاری کرده باشم، با همان لطف و اصالت خاص دوباره زنده شده بود. درحقیقت آنرا از هیچ دوباره

- جالبترین آثار باستانی و عتیقه که بویله شما تاکنون مرمت و احیا شده کدامها هستند؟  
پیرامون - در کار باستانشناسی همه چیز جالب و قابل توجه است. يك سکه ناچیز، یا يك سفال بی مقدار، وقتی از زیر خروارها خاک بیرون کشیده میشود، حکایت نسل و تمدنی را بازگو میکند. کوچکترین و کم مقدارترین مکتوفه باستانی، با خود اثری از گذشته‌های بسیار دور و مردم قرون از یاد رفته دارد. بهمین جهت همه آنچه که بدست من ساخته و پرداخته شده برایم جالب است، همه آنها بسهم خود جزئی از گنجینه و میراث ملی ماست . . .



بالا : اجزاء کوزه سفالی مکتوف در ایلام قبل از تعمیر  
پایین : اجزاء کوزه سفالی مکتوف در ایلام بعد از تعمیر



ساخته بودم . نقش و نگارش ، رنگ و موزائیک و فرمش ، نشان  
نمیداد که این لیوان حتی یکبار شکسته باشد .  
این لیوان که یکی از جالبترین آثار قبل از تاریخ است ،  
اینک در موزه ایران باستان نگهداری میشود .  
در حفاریهای باستانشناسی تپه جراحی آثار دیگری هم  
بدست آمد . انگشترهای عقیق ، انواع مجسمه های حیوانات ،  
ظروف سفالی و مفرغی . و هر یک از این مجموعه کلام تازه ای  
به تاریخ اضافه کرد .

میتوان گفت که ما با هر حفاری و با تعمیر و احیای هر اثر  
باستانی ، کلماتی به تاریخ میافزائیم ، چرا که بسیاری از نکات  
و صحنه های فراموش شده تاریخ را باستانشناسان و دستیاران  
آنها از مرگ و فراموشی نجات داده اند . . .